

دکتر آيو آدویا ، رساله دوم به قرنتيان، جلسه اول

مقدمه

آيو آدویا و تد هيلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر آيو آدویا در حال تدریس در مورد رساله دوم قرنتيان است. این جلسه شماره یک، مقدمه است.

اسم من آيو آدویا است و من استاد زبان یونانی و عهد جدید در مدرسه الهیات پنطیکاستی، کلیولند، تنسی هستم، جایی که چندین سال است تدریس می‌کنم. من اصالتاً اهل نیجریه هستم و قبل از اینکه به عنوان مبلغ به فیلیپین نقل مکان کنیم، بخش قابل توجهی از زندگی‌ام را در آنجا گذرانده‌ام. خدا ما را به اینجا آورد بنابراین من سال‌هاست که اینجا تدریس می‌کنم. در این مجموعه سخنرانی‌ها، به نامه پولس به قرنتيان، نامه دوم پولس به قرنتيان، که ما آن را به عنوان دوم قرنتيان می‌شناسیم، خواهیم پرداخت.

وقتی به کتاب نگاه می‌کنیم، همیشه خوب است که با یک مقدمه شروع کنیم، برخی از جزئیات پیش‌زمینه را یاد بگیریم، بدانیم چه چیزی باعث نگارش نامه شده است و بدانیم که دقیقاً در کتاب چه اتفاقی برای نویسنده و مخاطب افتاده است. در بررسی دوم قرنتيان، یکی از اولین چیزهایی که می‌خواهیم در نظر بگیریم رابطه کلی پولس با قرنتيان، به ویژه وقایعی است که منجر به نوشتن نامه شد. از این نظر، می‌خواهیم بگویم که رابطه پولس با قرنتيان رابطه‌ای کاملاً پیچیده بود و این را از تعداد نامه‌هایی که او نوشت، می‌بینیم.

و همیشه به اتفاق آرا توافق شده است که پولس بیش از دو نامه نوشته است؛ احتمالاً او حدود چهار یا پنج نامه نوشته است، و من باید این را روشن کنم زیرا ما بیش از یک یا دو نامه در کتاب مقدس نداریم. اما، سپس، وقتی به اول قرنتيان ۵، آیه ۹ نگاه می‌کنیم، پولس به قرنتيان گفت که نامه قبلی به آنها نوشته است و در آن نامه قبلی، به آنها هشدار داد که نباید با افرادی که خود را برادر یا خواهر می‌نامند و به روشی رفتار می‌کنند که به دعوت آنها خیانت می‌کند، معاشرت کنند. و سپس، البته، وقتی به دوم قرنتيان ۲، آیات ۳-۴ و آیات ۸-۱۲ نگاه می‌کنیم، پولس درباره یک نامه شدید صحبت می‌کند، ۷.

برخی استدلال کرده‌اند که شاید دوم قرنتيان ۱-۹ نامه‌ای جداگانه از ۱۰-۱۳ باشد؛ ما در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت زیرا فقط یک نامه در مجموعه کتب مقدس داریم و این روشی است که ما به آن خواهیم پرداخت. از طرف قرنتيان، قطعاً ارتباطی بین پولس و قرنتيان وجود دارد زیرا آنها به او نامه نوشتند و می‌خواستند پاسخ‌هایی برای سؤالات خاصی که در مورد زندگی مسیحی آنها را آزار می‌داد، داشته باشند. آنها می‌خواستند بدانند که در مورد بت‌های بیهوده چه باید کرد و می‌خواستند بدانند که در مورد ازدواج چه باید کرد.

مشکلی در مورد رستاخیز وجود داشت، اینکه آیا از بین رفته یا چه اتفاقی افتاده است، بنابراین آنها نوشتند اما جدا از آن، آنها دو هیئت نمایندگی فرستادند؛ آنها یک هیئت نمایندگی از قرنتس نزد پولس فرستادند؛ ما این را در اول قرنتيان ۱، آیات ۱۱-۱۲ می‌بینیم، و البته، استیفان نیز و همراهانش نزد پولس بازگشتند، ما این را در اول قرنتيان ۱۶-۱۸ می‌بینیم. بنابراین، می‌بینید که پولس رابطه‌ی بسیار خوبی داشت، عالی به این معنا که ارتباط متقابل وجود داشت، هم از پولس به قرنتيان و هم از قرنتيان به پولس، و خود پولس دو هیئت نمایندگی به قرنتس فرستاد، تیموتائوس ریاست یکی را بر عهده داشت، ما این را در اول قرنتيان ۴-۱۷ و فصل ۱۶، آیات ۱۰-۱۱ می‌بینیم، و البته او هیئت دیگری را فرستاد که ریاست آن را تیطوس بر عهده داشت، ما آن را در دوم قرنتيان ۷، آیات ۱۴-۱۶ می‌بینیم.

بنابراین، ارتباط گسترده‌ای بین پولس و قرنتيان وجود داشت. حال، وقایعی که منجر به نگارش اول قرنتيان شد، همان چیزی است که ما توضیح دادیم: نامه قبلی، هیئت‌های نمایندگی، نامه‌ای از قرنتيان که در آن به

دنبال توضیح در مورد ازدواج و همه این موارد بود، بنابراین پولس اول قرنطیان را نوشت، و سپس، البته، به دیدار آنها رفت، و چون هنگام بازدید هوایی از آنها مشکلی پیش آمد، گفت که دیگر نمی‌خواهم بیایم، بنابراین نامه‌ای غم‌انگیز به آنها نوشت، و البته، این موضوع قرنطیان را آزار داد، و در آن زمان رابطه‌ای متزلزل بین پولس و قرنطیان وجود داشت، و پولس مجبور شد راهی برای اصلاح آن پیدا کند، یعنی تیطوس را نزد آنها بفرستد. بنابراین، ما در مورد رابطه به طور کلی صحبت می‌کنیم.

حالا، وقتی در مورد دوم قرنطیان صحبت می‌کنید، همیشه این بحث مطرح شده است که شاید زمان بین اول قرنطیان و دوم قرنطیان زمان زیادی باشد. نه، من اینطور فکر نمی‌کنم زیرا اتفاقاتی که رخ داده، برخی از مشکلاتی که در اول قرنطیان داریم، هنوز در زمانی که پولس دوم قرنطیان را نوشت، وجود داشتند. در واقع اگر رساله کلمنت را بخوانیم، متوجه خواهیم شد که برخی از مواردی که پولس در اول قرنطیان به آنها پرداخته است، هنوز وجود داشته است.

بیشتر در مورد رساله دوم قرنطیان صحبت کنید. خب، فاصله زمانی زیادی وجود ندارد. خیلی به هم نزدیک بودند.

خب، پولس آن نامه را نوشت. با این حال، وقتی به آن می‌پردازیم، فکر می‌کنم مهم است که یک دید کلی از مسائلی که پولس به آنها می‌پردازد و چیزهایی که به آنها نگاه می‌کرد، داشته باشیم. بنابراین، من معمولاً دوست دارم به موضوعاتی که پولس به آنها توجه می‌کند، نگاهی بیندازم.

ما به مضامین الهیاتی دوم قرنطیان خواهیم پرداخت، اما قبل از آن، به یاد داشته باشیم که پولس این نامه را نوشته است، و همیشه توافق شده است که این نامه، گاه به گاه‌ترین نامه پولس است. اگر می‌خواهید بدانید پولس کیست، این برای این است که بدانید. می‌بینید، معمولاً وقتی در مورد پولس صحبت می‌کنیم، این مرد را می‌بینیم، یک قهرمان.

انگار هیچ احساسی ندارد، هیچ عاطفه‌ای ندارد. او یک ابرمرد است. اما اگر می‌خواهید بدانید پولس کیست، پس به دوم قرنطیان بیاوید.

دوم قرنطیان دریچه‌ای به قلب پولس باز می‌کند، زیرا در آن رابطه‌ای را می‌بینید که بین پولس و مردی که او به سوی مسیح هدایتشان کرد، تیره و تار بود. و بنابراین، می‌بینید، مثل یک ترن هوایی است. آنها او را دوست دارند.

آنها از او متنفرند. بعضی از آنها می‌گویند، خب، حضور او را دوست نداریم، اما نامه‌های او بسیار قوی هستند. و پولس مجبور بود از خودش دفاع کند.

بعضی از افراد مداخله‌گر وارد شدند. آنها سعی کردند نظر مردم را علیه پولس تغییر دهند. بنابراین، شما پولس را به معنای واقعی کلمه یک کشیش می‌بینید.

پولس، به عنوان یک کشیش، از قلبش صحبت می‌کند. منظورم این است که او داشت بار دلش را سبک می‌کرد چون قرنطیان او را اشتباه فهمیده بودند. این یک رابطه‌ی فرسوده بود.

شما خودتان را یک کشیش تصور می‌کنید، و یک کلیسا تأسیس کرده‌اید، و در آن کلیسا رهبری می‌کنید، و در آن کلیسا خدمت می‌کنید. و ناگهان، افرادی که زمان و زندگی زیادی را برای آنها صرف کرده‌اید، ناگهان علیه شما می‌شوند، زیرا برخی افراد وارد می‌شوند و خود را رسول می‌نامند. و می‌بینید، بنابراین او در اینجا یک مشکل دارد.

اما نه تنها این، بلکه پولس گفت که قرار است به دیدار آنها برود. بعداً وقتی به دوم قرن‌تیان، فصل ۱ نگاه می‌کنیم، به این موضوع خواهیم پرداخت. پولس گفت که قرار است به دیدار آنها برود، اما به دیدار آنها نرفت. و آنها می‌گویند، خب، به این مرد نگاه کنید

. او گفت می‌آید، اما نمی‌آید. او نیامد. نمی‌توان به حرفش اعتماد کرد

شما نمی‌توانید فقط حرف او را قبول کنید. و این حرف بی‌ثبات است. وقتی به دوم قرن‌تیان، فصل ۱ رسیدیم، به این موضوع نگاه خواهیم کرد و آیات را توضیح خواهیم داد

نه تنها این، بلکه آنها می‌خواستند به او پول هم بدهند. و او گفت، نه، من پول تو را نمی‌خواهم. من پول تو را نمی‌خواهم

و بعداً، او می‌خواست برای اورشلیم پول جمع کند. او گفت، اینجا چه خبر است؟ ما به شما پولی می‌دهیم. که می‌گویید نمی‌خواهید. و شما اینجا هستید، دارید پول جمع می‌کنید

دقیقاً چیست؟ بنابراین، آنها به این نتیجه رسیدند که پولس آنها را دوست ندارد، زیرا اگر شما ما را دوست داشتید، چرا پولی را که به شما می‌دهیم رد می‌کنید؟ و اکنون ما اینجا هستیم و شما برای افراد دیگر پول جمع می‌کنید. مطمئناً شما ما را دوست ندارید. و پولس مجبور شد به آنها بگوید، ببینید، حتی اگر هزار معلم داشته باشید، فقط یک پدر دارید

. در پیوند خود، تو را در انجیل زاده‌ام. بنابراین، شما این نوع تنش و تمام آنچه را که در جریان است می‌بینید. و پولس در مورد رنج‌ها و دردهای خودش و همه اینها صحبت می‌کند

بنابراین، دوم قرن‌تیان چیزهای زیادی درباره پولس، آنچه که او از سر می‌گذراند، شخصیت او و اینکه چقدر قرن‌تیان را دوست داشت، به ما نشان می‌دهد. بنابراین، با نگاه کردن به این کتاب چیزهای زیادی برای یادگیری وجود دارد. منظورم این است که یکی دیگر از مشکلاتی که محققان در مورد دوم قرن‌تیان برجسته کرده‌اند چیزی است که ما آن را یکپارچگی انشایی آن کتاب می‌نامیم

برخی گفته‌اند که دوم قرن‌تیان مجموعه‌ای از کتاب‌های متعدد است و شاید حدود پنج یا شش کتاب در آن پیدا کنید. اما بگذارید این را بگویم: هیچ نسخه خطی وجود ندارد که شامل کل دوم قرن‌تیان موجود نباشد. بنابراین قطعاً دوم قرن‌تیان، به نظر من و البته نظر دیگران، فقط یک حرف است

باید فن خطابه را مطالعه کرد. خب، گاهی اوقات بحث می‌شود که چرا او لحن خود را در دوم قرن‌تیان فصل آیات ۱۰ تا ۱۳ تغییر داد؟ البته، شما می‌توانید لحن خود را در یک نامه تغییر دهید. بستگی به این دارد، ۱۰، که چه می‌نویسید

و بعد ما نمی‌خواهیم فرض کنیم که پولس فقط یک شب نشست و گفت، بسیار خوب، من الان دارم نامه‌ای به قرن‌تیان می‌نویسم، و او همه چیز را نوشت. او عصر شروع کرد و صبح تمام کرد و آن را پست کرد. این روشی نیست که کار می‌کند

، نوشتن این مطلب زمان برد. بنابراین اینکه کسی لحنش را تغییر دهد، هیچ معنایی ندارد. گذشته از این، کسانی که در زمینه فن بیان مطالعه می‌کنند، نشان داده‌اند که این امر امکان‌پذیر است

ببینید، لحن شما بستگی به این دارد که به چه چیزی می‌پردازید. بستگی به موضوعی دارد که می‌خواهید در مورد آن صحبت کنید. بنابراین، ما می‌گوییم که دوم قرن‌تیان فقط یک نامه است، همانطور که در کتاب مقدس آمده است.

البته، برخی دیگر خواهند گفت، خب، فصل‌های ۸ و ۹ یک حرف هستند. و برخی خواهند گفت، خب، فصل ۸ یک حرف جداگانه است، فصل ۹ یک حرف جداگانه است. و حتی اخیراً در جلسه‌ای به حرف‌های یک محقق گوش می‌دادم که می‌گفت دوم قرن‌تیان فصل ۹ قبل از ۸ آمده است. و شما تعجب می‌کنید، خب، اینجا چه خبر است؟ و بعد گفتیم، خب، ما دوم قرن‌تیان ۱ تا ۱۳ را داریم.

بیا بیا به آن پردازیم. و بیا بیا فقط به پیام نگاه کنیم. این در متن اصلی آمده است.

بنابراین، بیا بیا به پیام دوم قرن‌تیان آنطور که در متون مقدس آمده است، نگاه کنیم. آنچه در متون مقدس داریم یک حرف است، نه پنج حرف. و بنابراین، ما می‌خواهیم به آن به این شکل پردازیم.

ببینید، به عبارت دیگر، برای کسانی که از چیزی که به آن نظریه‌های الحاق می‌گویند، دفاع می‌کنند، بار اثبات این است که بگویند، خب، این یک حرف نیست؛ چندین حرف است. خیلی خیلی مهم است. البته وقتی به نامه‌ای که به قرن‌تیان نوشته شده نگاه می‌کنید، به یاد داشته باشید که معمولاً وقتی در مورد قرن‌تیان صحبت می‌کنید، شهر قرن‌تیان را به یاد می‌آورید که شهری پر از فساد بود.

منظورم این است که آنجا نامحتمل‌ترین مکان برای ساخت کلیسا بود. وقتی در مورد ساخت کلیسا صحبت می‌کنیم، واقعاً نمی‌خواهید به قرن‌تس بروید زیرا ادیان آنجا به اندازه جمعیت قرن‌تس متنوع بودند. منظورم این است که ۲۶ مکان مقدس به خدایان متعددی اختصاص داده شده است.

بنابراین، اینکه خدا توانسته اینجا کلیسای بنا کند، بسیار عظیم است. و بعد، مثل امروز، جامعه مسیحی قرن‌تیان متنوع بود. شما تنوع قومی و اجتماعی دارید.

شما فقیر دارید، ثروتمند دارید، و انواع مختلفی از مردم را دارید. حالا، می‌خواهید این سوال را بپرسید که چرا پولس قرن‌تیان را نوشت؟ این همیشه یک سوال است. چرا پولس قرن‌تیان را نوشت؟ همانطور که معمولاً توافق می‌شود، دوم قرن‌تیان یک نامه‌ی گاه به گاه است که نامه‌ای واقعی برای افراد واقعی است که با مشکلات واقعی روبرو بودند که بین زمانی که پولس شهر را ترک کرد و در پایان ۱۸ ماه ایجاد شد، ایجاد شد.

این یک نامه‌ی واقعی است. من گاهی به مردم می‌گویم که اگر می‌خواهید نامه‌ای را بشناسید که ما آن را رساله‌ی شبانی می‌نامیم، به معنای واقعی کلمه شبانی، دوم قرن‌تیان همان نامه است. منظورم این است که بله، متوجه شدم.

در متون مقدس، ما رساله اول تیموتائوس، تیطوس و دوم تیموتائوس را داریم و بعد آنها را رساله‌های شبانی می‌نامیم. اما وقتی می‌خواهید در مورد کتابی در عهد جدید صحبت کنید که به مسائلی که کشیشان و خادمان امروزه با آن مواجه هستند می‌پردازد، آن کتاب، رساله دوم قرن‌تیان است. بگذارید مثالی بزنم.

مشکلی در مورد درستکاری، درستکاری پولس، وجود دارد، زیرا او یک چیز می‌گوید، اما کار دیگری انجام می‌دهد. و پولس مجبور بود از درستکاری خود دفاع کند. و البته، ما امروزه در مورد مسئله درستکاری در خدمت، مشکلات زیادی داریم.

و بعد، البته، پیام او را زیر سوال می‌برند. می‌گویند، خب، پیام او خیلی سخت است. بنابراین، آنها این شخص را زیر سوال می‌برند، پیام او را زیر سوال می‌برند، مشکلی با پول وجود داشت، مشکلی با رابطه بین آنها وجود داشت، مشکلی با رنج کشیدن وجود داشت.

هر چیزی که امروز در خدمت داریم، اگر به دوم قرن‌تین نگاه کنید، آنجا پیدا خواهید کرد. به همین دلیل است که می‌گویم این کتاب، به نظر من، باید یک نامه‌ی شبانی یا رساله‌ی شبانی نامیده شود، هر کدام را که می‌خواهید استفاده کنید. اما به این دلیل که به مسائل واقعی می‌پردازد که افراد واقعی در دنیای واقعی با آن مواجه هستند.

بنابراین، می‌خواهیم به کتاب نگاهی بیندازیم. اما همانطور که کمی پیش گفتم، بیاید به مضامین اصلی دوم قرن‌تین نگاهی بیندازیم. وقتی دوم قرن‌تین را می‌خوانید، انتظار دارید چه چیزی پیدا کنید؟ مسائلی که پولس می‌خواهد به آنها پردازد چیست؟ می‌بینید، وقتی کسی در یک نامه خاص از الهیات پولس صحبت می‌کند، مهم است که به خاطر داشته باشد که پولس در درجه اول یک مبلغ روحانی بود.

حالا، می‌فهمم که مردم می‌گویند، من متکلم نیستم، من متکلم نیستم. خب، این تا حدودی درست و تا حدودی غلط است. وقتی می‌گویید متکلم نیستید، اگر می‌گویید که یک متکلم آموزش‌دیده نیستید، بله، شما یک متکلم آموزش‌دیده به این معنا نیستید که به مدرسه بروید و الهیات یاد بگیرید.

اما اگر شما یک کشیش و یک خادم هستید، همیشه الهیات انجام می‌دهید. وقتی به عضو کلیسای خود نصیحت می‌کنید و او می‌گوید، شما یک کشیش هستید، من رنج می‌کشم. من چه کار می‌کنم؟ و سپس کتاب مقدس را باز می‌کنید و در مورد رنج توضیح می‌دهید؛ شما در حال الهیات هستید. وقتی یکی از اعضای کلیسای شما یکی از بستگان خود را از دست می‌دهد، من می‌گویم، خب، مهم نیست، او به بهشت رفته است، و ما قرار است در روز قیامت یکدیگر را ببینیم؛ شما چه کار می‌کنید؟ شما در حال الهیات هستید، حتی اگر به معنای فنی الهیات، یک الهیدان نباشید.

بنابراین، ما می‌خواهیم پولس را نه به عنوان یک متکلم فنی، بلکه به عنوان هر کاری که او به عنوان بخشی از الهیات خود انجام داد، ببینیم. او یک مبلغ کشیش بود. به این ترتیب، الهیات پولس از تجربه او هم به عنوان یک کشیش و هم به عنوان یک مبلغ سرچشمه می‌گیرد.

به عبارت دیگر، پولس چیزی بود که من آن را یک متکلم بازار می‌نامم. یک متکلم بازار که الهیات خود را در بازار ارائه می‌داد. علاوه بر این، از آنجا که این نامه، مانند سایر نامه‌ها، موردی است، این نامه‌ها برای پرداختن به موقعیت‌های خاصی که کلیساها با آن مواجه بودند، نوشته شده‌اند.

و این در مورد دوم قرن‌تین نیز صادق است. اما با خواندن نامه، مضامین الهیاتی موجود در کتاب آشکار می‌شود. بنابراین، بیاید به برخی از این مضامین نگاهی بیندازیم.

اولاً، دیدگاه پولس در مورد خدا در دوم قرن‌تین بسیار بسیار واضح است. می‌بینید، پولس، جدا از دعای خیرش در فصل ۱، در فصل ۱۳، آیه ۱۴، صورت‌بندی صریحی از آموزه تثلیث، آنطور که شناخته شده است، ارائه نمی‌دهد. با این وجود، پولس اظهارات بسیار روشنی در مورد ماهیت سه‌گانه خدا بیان می‌کند که از مواجهه شخصی او با الوهیت ناشی می‌شود.

می‌بینید، این خیلی مهم است. پولس چندین نکته‌ی مهم و جاودانه در مورد خدا بیان می‌کند. برای مثال، او از خدای پدر به عنوان کسی که منبع فیض است یاد می‌کند.

او از خدای پدر به عنوان منبع فیض یاد می‌کند. این را در فصل ۱، آیه ۲، فصل ۸، آیه ۱ و فصل ۹، آیه ۱۴ می‌بینید. و البته، او منبع پاکی و صداقت است.

و می‌بینید که در فصل ۱ آیه ۱۲، او رحمت نشان می‌دهد و تسلی می‌دهد. می‌خواهید بدانید پولس چه می‌گوید. او کسی است که مردگان را زنده می‌کند و کسی است که به عنوان یک شاهد بی‌عیب و نقص عمل می‌کند.

او کسی است که ایمانداران را در ایمانشان به مسیح و وفاداری به مسیح تقویت می‌کند. پولس مطالب زیادی در مورد خدا برای گفتن دارد. در فصل ۳ آیه ۳، او در مورد خدا به عنوان موجود زنده ابدی صحبت می‌کند.

ببینید، امروز برای ما مهم است که بدانیم خدا زنده‌ی جاودان است. او نمی‌خوابد. او چرت نمی‌زند.

او آن زنده‌ی جاودانه است. خیلی سریع داستانی در مورد آن برایتان تعریف می‌کنم. شخصی در قایقی بود و طوفانی شد.

و همینطور که طوفان ادامه داشت، شدید بود. و کسی گفت، خب، گوش کن، کتاب مقدس می‌گوید کسی که از اسرائیل محافظت می‌کند، نمی‌خوابد، او چرت نمی‌زند. او گفت، خب، یعنی ما در این طوفان نمی‌خوابیم و خدا هم نمی‌خوابد.

پس بهتر است یکی از ما به رختخواب برود. یا خدا به رختخواب می‌رود یا من. پس تصمیم گرفت، بسیار خوب، من می‌گذارم خدا بیدار بماند و خودم می‌خوابم.

و در آن لحظه، طوفان فروکش کرد. خدا آن زنده‌ی همیشگی و حاضر همیشگی است. او کسی است که ما را تقویت می‌کند.

او دیگر گناهان مردم را به حسابشان نمی‌ریزد. او خدای همه لطف‌هاست. او کسی را که سخاوتمندانه می‌بخشد دوست دارد.

او قادر است انواع نعمت‌ها را بر مردم ارزانی دارد. این را در فصل ۹، آیه ۸ می‌بینید. او بذرهایی برای کاشتن و نانی برای خوردن مردم تولید می‌کند. او خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح است که شایسته ستایش ابدی است.

نام او شایسته ستایش است. او جزئیات تجربه انسانی را می‌داند. این را در فصل ۱۲، آیات ۲ و ۳ می‌بینید. و او با عشق و آرامش به عنوان موهبت‌ها و صفاتش مشخص شده است.

و پولس اعمال خاصی را به خدا نسبت می‌دهد. حال، وقتی این کتاب را مطالعه می‌کنید، باید به آنچه پولس در مورد خدا می‌گوید توجه کنید. این فقط نامه‌ای نیست که آن را بخوانید و کنار بگذارید.

این نامه‌ای است برای شما تا آن را بخوانید، هضم کنید و در مورد آن فکر کنید. وقتی دوم قرن‌تیا را می‌خوانم، چه چیزی در مورد خدا یاد می‌گیرم؟ البته، پولس، هماهنگ با پدر، عیسی را به عنوان منبع فیض به تصویر می‌کشد. پولس بدون هیچ تردیدی، الوهیت مسیح را تأیید می‌کند.

مسیح بدون هیچ تردیدی، از طریق انتخاب پیش از تجسم خود، غنای وجود آسمانی را با فقر نسبی زندگی زمینی عوض کرد. این را در فصل ۸، آیه ۹ می بینید. و می بینید که در طول زندگی اش بر روی زمین، در فصل آیه ۱، فروتنی و بردباری نشان داد. مرگ او که آغازگر عصری جدید، روز نجات، بود، بدون هیچ تمایزی، ۱۰ به نفع همه مردم بود. خدا همه را دوست دارد.

او برای همه مرد. اکنون، این به افراد بستگی دارد که از مزایای مرگ او بهره مند شوند، اما این مزیت برای همه در دسترس است. او در مسیح حضور داشت و فعال بود.

و شما این را به طور برجسته در مسیر آشتی که او از طریق مسیح انجام داد، می بینید. و او مسیح را به عنوان کسی که همان قربانی را از طرف انسان ها و به جای ما انجام داده است، به ما معرفی می کند. او مورد خشم خدا قرار گرفت، و از او نیز قدرتی حاصل می شود تا با بودن در مسیح، مؤمنان اکنون بتوانند عدالت خدا شوند یا در نظر خدا عادل شوند.

البته، او در مورد روح القدس حرف هایی برای گفتن دارد. پولس حرف های زیادی برای گفتن در مورد روح القدس دارد. جالب است که پولس ۱۷ بار در دوم قرن تیان در مورد روح القدس بحث می کند.

بار. و این خیلی خیلی مهم است. او از نقش روح القدس در زندگی مسیحی صحبت می کند ۱۷.

روح القدس مسئول شکل گیری، تجهیز و حفظ زندگی مسیحی ماست. و البته، راه روح، به معنای راه تأیید آمیز، نیز وجود دارد. این روح است که به ما اعتبار می بخشد.

می دونی، وقتی من یه تازه مسلمان جوان بودم، می گفتم، خب، اگه خدا تو رو صدا نزنه، خودت رو صدا بزن. خب، اگه خودت رو صدا بزنی، به مشکل برمی خوری. و وقتی به مشکل برسی، هیچ کس بهت کمک نخواهد کرد.

بهتر است خودت را معرفی نکنی. تو مسیر اعتباربخشی روح را می بینی. باید مطمئن شوی که توسط روح اعتباربخشی شده ای.

من متوجه هستم که ما توسط فرقه ها و گروه هایمان اعتبارنامه دریافت می کنیم، اما اعتبارنامه روح القدس مهم ترین اعتبارنامه ای است که ما نیاز داریم. روح القدس مسئول این امر است. او همچنین می گوید که جماعت توسط روح القدس شکل گرفته است.

جماعت، همانطور که در دوم قرن تیان فصل ۳، آیات ۱ تا ۳ می بینید. روح القدس جماعت را تشکیل داد. برجسب های مبلغان مذهبی نیز توسط روح القدس اعتبار می یابند. در دوم قرن تیان فصل ۶، آیه ۶، پولس عملکرد روح القدس را در تاریخ نجات بررسی می کند.

این در نقشه رستگاری خداوند است. وارپ پنوما شش بار در فضای ۱۳ آیه تکرار می شود. در دوم قرن تیان فصل ۳، پولس، سیر روح را در مرکز تاریخ رستگاری در دوم قرن تیان قرار می دهد.

روح القدس ربطی به مسیر رستگاری خدا ندارد. به هیچ وجه. می دانید، مردم، نحوه صحبت مردم در مورد تثلیث، پدر، پسر و روح القدس، شخص سوم الوهیت، می دانید، گاهی اوقات من با آن مشکل دارم زیرا روشی که ما این کار را انجام می دهیم، کمی سلسله مراتبی به نظر می رسد.

در ذهن ما، مثل این است که به المپیک می‌رویم: یکی طلا می‌برد، یکی برنز و یکی نقره. بنابراین، خدای پدر طلا را می‌برد، عیسی نقره را و روح‌القدس برنز را. و بنابراین، به یک معنا، همه آنها مدال می‌گیرند، اما یک مدال از دیگری کمتر است.

نه، این روشی نیست که در الوهیت عمل می‌کند. پدر، پسر و روح‌القدس در کنار هم راه می‌روند: اشخاص مختلف، اما یک ذات.

و روح‌القدس عمیقاً در این امر دخیل است. حالا به من گوش دهید، لازم نیست پنطیکاستی باشید تا به این باور برسید، زیرا این چیزی است که کتاب مقدس به ما می‌گوید، که روح‌القدس در این امر دخیل است، عامل عهد جدید است. روح به عنوان پیش پرداخت خدا برای میراث ما و به عنوان وثیقه رستخیز به مؤمنان داده می‌شود؛ شما این را می‌بینید و روح خدای زنده نامیده می‌شود.

این وسیله‌ای است که مسیح با آن نامه‌ی ستایش را نوشت، یعنی قرن‌تیان. در حالی که جوهر پاک‌شدنی است، شخص و رفتار روح‌القدس فناپذیر است. جوهر را می‌توان از بین برد، و این همان چیزی است که پولس به آنها می‌گوید.

شریعت مکتوب، به عنوان احکام بیرونی، بی‌جان است، اما روح حیات‌بخش است، زیرا در ایمانداران ساکن است و ما را احیا می‌کند. دوران عهد جدید، دوره‌ای است که نه تنها با جلال خارق‌العاده الهی، بلکه به ویژه با حضور و فعالیت روح در درون و در میان قوم خدا مشخص می‌شود. پولس درباره روی آوردن به روح و کسب آزادی از طریق روح، که توسط روح دگرگون می‌شود، صحبت می‌کند.

هر جا که روح خداوند باشد، آزادی وجود دارد. به طور سلیبی، آزادی از بی‌میلی و جهل در مورد مسیح، و سپس به طور ایجابی، آزادی برای دیدن جلال خدا بدون وقفه، و آزادی دسترسی به حضور خدا. بنابراین وقتی در مورد جایی که روح خداوند باشد صحبت می‌کنیم، آزادی وجود دارد.

دو جنبه وجود دارد. جنبه منفی، رهایی از سنگدلی و جهل نسبت به مسیح است، و البته جنبه مثبت، آزادی برای دیدن بی‌وقفه جلال خداوند یهوه و آزادی دسترسی به حضور خداوند است. آیا این شگفت‌انگیز نیست که اکنون می‌توانیم به خدا نزدیک شویم و به حضور او برویم؟ نکته بعدی که هنگام نگاه کردن به این کتاب می‌خواهید ببینید، زیرا این به ما کمک می‌کند تا وقتی شروع به بررسی دقیق کتاب می‌کنیم، آن را درک کنیم. آشتی است.

آشتی در اندیشه‌های پولس، به ویژه در دوم قرن‌تیان، امری فرعی نیست. پولس در همان فصل ۲، آیات ۵ تا در پرداختن به مشکل مجرم، خواستار آشتی و ترمیم [احساسات] بود. آیا امروز برای ما مهم نیست که ۱۱ در مورد آشتی نیز صحبت کنیم؟ اما حقیقت این است که بدون تجربه مسیح، هیچ آشتی واقعی نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا این تنها چیزی است که می‌تواند نفرت را از بین ببرد.

نظم و انضباط در کلیسای محلی باید رستگاری‌بخش باشد. بنابراین، آشتی نه تنها بین خدا و بشر، بلکه بین مردان و زنان دیگر نیز رخ می‌دهد. آشتی چیزی بیش از یک تجربه فردی است.

بیش از این. این امر اغلب با تمایل به بخشش شکل می‌گیرد، اما همچنین ملی و گروهی، در تجربه، بدون التیام و روابط شخصی، و بدون گذار از گذشته به آینده، هرگونه صحبتی در مورد آشتی فقط در حد حرف باقی خواهد ماند. در دوم قرن‌تیان، خدا هم آغازگر و هم هدف آشتی است.

مسیح نماینده خدا بود. ذینفعان در درجه اول انسان‌ها هستند. اگرچه آشتی یک واقعیت محقق شده است، اما یک فرآیند مداوم نیز هست و انسان‌ها باید با پاسخ به پیام آشتی و در نتیجه، آشتی با خدا، آن را بپذیرند.

می‌بینید، آشتی انگیزه و سکوی پرش پولس برای بحث در مورد خدمت اصیل است. این یکی از سوالاتی است که دوم قرن‌تیان به آن می‌پردازد: خدمت اصیل چیست؟ این سوالی است که امروز، در سال ۲۰۲۰ یا در این نسل، با نگاه به انواع مختلف خدمت‌هایی که در همه جا مثل قارچ رشد می‌کنند، برای ما بسیار معتبر است. نشانه‌های یک خدمت اصیل چیست؟ وقتی در مورد دوم قرن‌تیان فصل ۳ بحث می‌کنیم، کمی بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت.

حالا، او با عشق مسیح انگیزه می‌گیرد، که آن را در زمان مرگش برای ما تعریف می‌کند. موضوع دیگری که در کتاب به آن نگاه می‌کنید، که اکثر ما دوست نداریم در مورد آن بشنویم، رنج است. رنج همچنین موضوع مهمی در دوم قرن‌تیان است.

ببینید، بگذارید این را به شما بگویم. من یک پنطیکاستی هستم و بگذارید این اعتراف را بکنم. ما پنطیکاستی‌ها الهیات بدی در مورد رنج داریم.

ما خیلی پیروزمند هستیم. منظورم این است که خدا می‌تواند هر کاری انجام دهد. بله.

ما نمی‌خواهیم درباره رنج صحبت کنیم. نه. شما می‌گویید، خب، پروفیسور دویا، آیا رنج کشیدن را دوست دارید؟ من دوست ندارم.

من آن را نمی‌خواهم. دوست ندارم رنج بکشم. اما حقیقت این است که این بخشی از کتاب مقدس است و در دوم قرن‌تیان آمده است.

و ما باید بتوانیم آن را بپذیریم و بگوییم، ببینید، این بخشی از کتاب مقدس است. اگر خدا اجازه دهد که این در زندگی من باشد، از آن استفاده خواهد کرد. می‌بینید، برای پولس، رنج فقط یک موضوع دانشگاهی نبود.

این تجربه‌ای بود که او چشید و با مرگش به پایان رسید. این نامه شامل دو فهرست طولانی از رنج‌های رسولی پولس است، اما الهیات او در مورد رنج مسیحی بیشتر در فصل ۱، آیات ۳ تا ۱۱ آشکار است. در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

پولس رنج را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از دعوت و عمل تبلیغی خود درک می‌کرد. این بخش جدایی‌ناپذیر از دعوت و عمل تبلیغی او بود. این یک چیز اضافی نیست.

ابداً. او این را می‌دانست. در واقع، شما هم این را می‌دانید.

این دوم قرن‌تیان نیست. در فیلیپیان فصل ۱، آمده است که او به لطف به ما عطا شده است - کلمه ای که در آنجا آمده است عشای ربانی است.

او به لطف مسیح به ما عطا شده است، نه تنها برای ایمان آوردن به او، بلکه برای رنج کشیدن به خاطر نام او. بنابراین، به یک معنا، رنج هدیه‌ای از جانب فیض است. شما می‌گویید، خب، من آن را نمی‌خواهم.

مطمئنم که آن را نمی‌خواهی. یادم می‌آید چند سال پیش، در کلاسی در قرن‌تیان اول تدریس می‌کردم و یکی از دانشجویان گفت: دکتر دیوی، آیا رنج یکی از هدایای روح‌القدس نیست؟ گفتم: خب، متأسفم، فکر نمی‌کنم، اینطور باشد، اما اگر اینطور باشد، برای آن دعا نمی‌کنم. گفتم: چون تمام عمرم را در رنج گذرانده‌ام، بنابراین در حال حاضر هدیه رنج را نمی‌خواهم.

اما حقیقت این است که رنج بخش جدایی‌ناپذیری از رسالت ماست. فراوانی اشاره پولس به رنج‌های دوران رسالتش در دوم قرن‌تیان، نشان می‌دهد که این تجربیات برای او هم به موضوع بیشترین تأملات الهیاتی در مورد هویت و مأموریت خود به عنوان یک رسول تبدیل شده است، و هم نه تنها این، بلکه به ابزاری بلاغی برای تشویق و تقویت ایمان‌آوردگانش تبدیل شده است. می‌توانید در مورد نوع کارکرد ایثارگرانه و رسالت‌شناختی رنج در نامه پولس صحبت کنید.

این فداکاری بود. مأموریتی بود. رنج کشیدن به خاطر رنج کشیدن نبود.

و می‌دونی چیه؟ به همین دلیل بود که پاول نمی‌خوند: هیچ‌کس از دردمندی که من می‌بینم خبر نداره، هیچ‌کس از غم من خبر نداره، گاهی اوقات تو دره‌ام، گاهی اوقات تو کوه. نه، نه، نه، نه. پاول هیچ‌وقت برای کسی ترجمه به خرج نداد، چون می‌دونست این بخش جدایی‌ناپذیر رسالتش

بلکه، رنج کشیدن پولس به خودی خود هدف نبود. رنج او به خاطر دیگران بود. می‌دانید چیست؟ پولس از ذهنیت قربانی بودن دوری می‌کرد.

او ذهنیت قربانی بودن نداشت. دلم نمی‌سوزد، این اصلاً در زبان پولس نیست. بنابراین، او درباره رنج صحبت می‌کند.

ما به آن نگاه خواهیم کرد. منظورم این است که شما مدام می‌گویید که ما به آن نگاه خواهیم کرد. بله، ما به همه چیز نگاه خواهیم کرد زیرا این یک مقدمه است.

بنابراین، احتمالاً دوباره آن را خواهید شنید و خواهید گفت، بسیار خوب، او خواهد گفت که بعداً به آن نگاه خواهیم کرد. بله، به آن نگاه خواهیم کرد. اما فقط صبر کنید.

پس در مورد آموزه کلیسا، اکلیسیا، چه؟ برای پولس، جماعت‌های محلی واقعی و نماینده جامعه وحشی جهان هستند. و این بسیار مهم است. پولس می‌گوید اعضای کلیساها نامه‌هایی هستند که توسط روح نوشته شده‌اند.

آیا می‌توانم بگویم که پولس کلیسا را به عنوان محلی برای فعالیت آخرالزمانی خدا درک می‌کند؟ پولس کلیسا را درک می‌کند. می‌دانید، ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که من نه تنها، بلکه به هیچ کلیسای تعلق ندارم.

من می‌توانم در خانه‌ام به کلیسا بروم. می‌توانم در خانه‌ام بمانم. نه، این برای پولس نیست.

او کلیسا، یعنی جمع مؤمنان را می‌بیند. این یعنی ما برداشت درستی از پولس نداریم، چون الهیات پولس جمعی است. با هم است.

این درباره مردم است. خدا فقط افراد را نجات نمی‌دهد و این افراد را به بهشت نمی‌برد. خدا مردمی را نجات می‌دهد، درست همانطور که او ملت را نامیده است. اسرائیل مردم را نجات می‌دهد و آنها را به بهشت می‌آورد.

ما به یکدیگر تعلق داریم. روح القدس به افراد اعتبار می‌دهد تا خود را اداره کنند. و پولس کلیسا را به عنوان چیزی که متعلق به خداست، معرفی می‌کند.

در واقع، در فصل ۱۱، آیات ۲ تا ۳، می‌بینید که پولس کلیسا را به عنوان عضوی از مسیح توصیف می‌کند و بنابراین، باید تا زمان بازگشت او پاک بماند. علاوه بر توصیف پولس به عنوان معبد خدا، پولس از سه استعاره اساسی استفاده می‌کند. در مسیح، بدن مسیح، قوم خدا.

بنابراین، به عنوان توصیفی ویژه از تجربه مسیحی، مسیح به رفاقت نزدیک و خاص هر مؤمن و کلیسا به عنوان یک کل با مسیح اشاره می‌کند. با غسل تعمید، ما در حوزه مسیح روحانی گنجانده می‌شویم و به عنوان یک خلقت جدید در مسیح قرار می‌گیریم. ما به یک خلقت جدید تبدیل می‌شویم.

کلیسا مهم است. حالا، بیایید کمی در مورد تقدس صحبت کنیم. یک موضوع کلیدی در دوم قرن‌تیا

، پولس اعضای کلیسای قرن‌تیا را مقدسین خدا می‌نامد. او آنها را مقدسین خدا می‌نامد. و به همین دلیل، فراخوانده شده است که مقدس باشد.

از سوی دیگر، کلیسا باید تقدس اخلاقی خود را در هر حوزه‌ای از وجودش نشان دهد. این بسیار مهم است. نباید جنبه‌ای از زندگی ما وجود داشته باشد که تحت تأثیر کار مسیح قرار نگرفته باشد.

برداشت او از تقدس چیزی است که صرفاً با ارتباط شخصی با خدا از طریق مسیح محدود یا محصور یا تعریف نمی‌شود. می‌دانید، در دنیای امروز، همه چیز فقط در مورد من، من و خودم است. دیگران بیرون هستند.

اما اجازه می‌دهید این را به شما بگویم؟ این دقیقاً مشکلی است که ما داریم. می‌دانید، من به مردم می‌گویم، می‌گویم، آیا مشکل گناه را می‌دانید؟ آیا حرف وسط است؟ من. این مشکل گناه است.

آیا نامه در وسط قرار دارد چون همه چیز حول محور من می‌چرخد؟ و متأسفانه، این چیزی است که امروز می‌بینیم. در مورد آخرت‌شناسی چطور؟ آخرت‌شناسی از مباحث الهیاتی پولس خارج می‌شود.

در رساله دوم قرن‌تیا، تنش بین «از قبل» و «هنوز نه» را در فصل اول، آیات هشت تا یازده در فصل یازدهم می‌بینیم. و البته، در فصل پنجم، جایی که او درباره ساعات زمینی فرو ریختن این خیمه به ما می‌گوید، و ما خانه‌ای در آسمان‌ها داریم، و او یکی را مقایسه می‌کند، یکی موقتی است، یکی ابدی، یکی ساختمان است، یکی خیمه است. بنابراین، در اینجا بحث آخرت‌شناسی مطرح است.

و البته، پولس در مورد درک پولس از مدیریت مالی صحبت می‌کند، که بخش جدایی‌ناپذیر زندگی و خدمت مسیحی است. این یک دوم قرن‌تیا هشت و نه است که به تفصیل نگرانی و تعهد پولس را برای مدیریت مالی شرح می‌دهد. پولس درک می‌کند که بخشش چیزی بیش از یک پاسخ صرف به یک نیاز فوری یا مقداری کمک به فقرا و نیازمندان است.

این چیزی است که بیش از امور مالی تأثیر می‌گذارد، همانطور که در زندگی مسیح، که خود را فداکارانه فدا کرد، نمونه‌ای از آن است، اگرچه هرگز جایگزینی برای مشارکت شخصی در خدمت آشتی برای آن اساسی نیست. تشویق پولس به مؤمنان مهربان برای کمک به کاهش رنج‌های مؤمنان اورشلیم، عملی از عشق

اما می بینید، زیبایی ماجرا در همین است. خداوند سلاح‌های کافی برای ما در آن سوی مرزها فراهم کرده است، و این سلاح‌ها به ماهیت مبارزه اشاره دارند. او به ما سلاح‌هایی داده تا بر آنها غلبه کنیم، و این سلاح‌ها به ماهیت مبارزه‌ای که در آن هستیم اشاره دارند.

انجیل و سایر سلاح‌هایی که ما برای خدمت مسیحی داریم، همگی الهی هستند. آن‌ها قادرند دژهایی را که توسط معلمان دروغین و آموزه‌های نادرست مختلف بنا شده‌اند، فرو بریزند. می‌دانید، به این ترتیب، می‌توانیم بگوییم که به لطف خدا، ما پیروز شده‌ایم.

این دکتر آيو آدوويا در حال تدریس در مورد رساله دوم قرن‌تین است. این جلسه شماره یک، مقدمه است.